

جنگ شناختی و تحریف گفتمان مهدویت؛ تحلیل راهبردهای امنیتی سازی و زمینه زدایی در فرسایش آینده مندی خانواده

سید مهدی حسینی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی سازکارهای جنگ شناختی غرب در تحریف گفتمان مهدویت و تحلیل آثار آن بر فرسایش افق آینده مندی تمدنی خانواده مهدوی انجام شده است. تحقیق حاضر با روش کیفی و تلفیق مدل سه بعدی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و رویکرد اجتماعی-شناختی ون دایک مکتوب شده است. پیکره پژوهش شامل ۲۳ متن تحلیلی کلیدی (حدود ۳۲ هزار کلمه) از رسانه ها و اندیشکده های مرجع غربی (۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵ م) است که به روش هدفمند انتخاب شده اند. عملیات شناختی غرب از طریق سه راهبرد کلان شامل «امنیتی سازی مهدویت و بازنمایی آن به عنوان تهدید صلح جهانی»، «زمینه زدایی و تاریخی گری سکولار با اسطوره سازی مادی» و «تحریف معنای انتظار در قالب دوقطبی انفعال رخوت انگیز یا خشونت آخرالزمانی» عمل می کند. این فرآیند با دست کاری مدل های ذهنی، آموزه مهدویت را به یک «سوژه امنیتی شده» تبدیل و فشار معرفتی مستقیمی به درون خانواده منتقل می کند. پیامد این تحریف ها، فرسایش توان کارگزارانه خانواده در بازتولید امید، ایجاد هراس ادراک شده در والدین و اختلال در انتقال بین نسلی هویت منتظرانه است. بازسازی مفهوم «انتظار فعال» شرط بنیادین حفظ تاب آوری شناختی جامعه است.

واژگان کلیدی: جنگ شناختی، گفتمان مهدویت، انتظار فعال، خانواده مهدوی.

مقدمه

تحولات نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که منازعات، به تدریج از الگوهای کلاسیک مبتنی بر قدرت سخت و «تخریب فیزیکی» به سمت الگوهای نرم، ادراکی و اطلاعاتی حرکت کرده‌اند. در این روش جدید، میدان اصلی درگیری، نه «سرزمین»، بلکه «سطح ادراکی ذهن» است و هدف نهایی آن، اثرگذاری بر قضاوت‌ها، ترجیح‌ها و در نهایت تغییر رفتار جمعی است. (Bernal et al., 2021: p. 3) ادبیات نوظهور جنگ شناختی بر همین جابه‌جایی در الگوی منازعه تأکید دارد و آن را راهبردی می‌داند که با تکیه بر ابزارهای اطلاعاتی - رسانه‌ای و فناوری‌های پیشرفته ارتباطی، «نحوه اندیشیدن» مخاطب و چگونگی سازمان‌یابی نظام تصمیم‌گیری او را هدف قرار می‌دهد. (Bernal et al, 2021: p. 3; Cao et al, 2023) اسناد مفهومی امنیت بین‌الملل، جنگ شناختی به عنوان لایه‌ای پیشرفته‌تر از جنگ اطلاعاتی معرفی می‌شود؛ وضعیتی که در آن داده و پیام، نه صرفاً برای اطلاع‌رسانی، بلکه برای مهندسی داوری‌ها و ایجاد «برتری شناختی» به کار گرفته می‌شوند (Claverie & Du Clouzel, 2021: p. 11).

در این فضا، مفهوم «تسلیم اطلاعات» اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ وضعیتی که در آن جریان‌های اطلاعاتی و روایت‌های رسانه‌ای از کارکرد انتقال واقعیت فاصله می‌گیرند و به ابزاری برای «سازمان‌دهی ادراک» و «هدایت راهبردی رفتار» تبدیل می‌شوند (Waltzman, 2017: p. 12). گزارش‌های تحلیلی مرتبط نشان می‌دهند که عملیات نفوذ شناختی، معمولاً از طریق شگردهایی مانند گزینش‌گری خبری، برجسته‌سازی، زمینه‌زدایی و تولید روایت‌های راهبردی رقیب انجام می‌شود تا اعتماد عمومی فرسوده و افق‌های معنایی جامعه تضعیف شود (Waltzman, 2017: p. 3; Ottwell, 2024). از این منظر، جنگ شناختی را می‌توان «منازعه بر سر نظام‌های تفسیری» دانست؛ زیرا هدف آن صرفاً تغییر باوری منفرد نیست، بلکه بازآرایی شبکه‌ای از باورها، ارزش‌ها و حساسیت‌های اخلاقی است که زیست‌جهان اجتماعی را شکل می‌دهد (van Dijk, 1998: p. 3).

در چنین نبردی، نهادهایی که کانون تولید معنا و نخستین محیط شکل‌گیری ادراک

روان‌شناختی به شمار می‌روند؛ به اهداف راهبردی تبدیل می‌شوند. خانواده یکی از مهم‌ترین این نهادهاست؛ زیرا مهم‌ترین کانون انتقال بین‌نسلی معنا و هویت و محل شکل‌گیری نگرش‌های اخلاقی، عاطفی و آینده‌محور است و هرگونه اختلال در ادراک آن می‌تواند پیامدهایی بحران‌زا فراتر از سطح فردی داشته باشد (دانشمند، ۱۴۰۰: ص ۹۲). از همین‌رو، ادبیات امنیت اجتماعی تأکید می‌کند که «تاب‌آوری شناختی جامعه» بدون تقویت نهادهای واسطه، از جمله خانواده، شکل نمی‌گیرد؛ زیرا بخش مهمی از مصونیت شناختی در الگوهای تربیتی، گفت‌وگوهای خانوادگی و سازکارهای تولید اعتماد، شکل می‌گیرد. بنابراین، اگر جنگ شناختی را نبردی برای کنترل ذهنیت اجتماعی بدانیم، خانواده هم‌زمان هم هدف اصلی این هجمه و هم میدان بازتولید دفاع شناختی خواهد بود (Enhancing Cognitive Security and Societal Resilience, n.d., p. 6).

در سنت فکری شیعی، «گفتمان مهدویت» یکی از مهم‌ترین منابع معنا بخشی به آینده و کانون تولید امید و پویایی اجتماعی است. ایده مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تشیع امامی صرفاً به معنای انتظار یک رخداد آخرالزمانی و منفعل نیست، بلکه با مفاهیمی چون عدالت، اصلاح‌گری و مسئولیت اجتماعی پیوند خورده و به مثابه افق هنجاری برای سامان‌دهی عقلانیت و کنش دینی عمل می‌کند. از این منظر، مهدویت «منبع الهام‌بخش معنا» برای آینده است؛ آینده‌ای که به مثابه حرکت به سوی وضع مطلوب عدالت‌محور فهم می‌شود و برای کنشگران مؤمن، نقش و مسئولیتی عینی تعریف می‌کند. بر این اساس، آینده‌مندی در این بستر اعتقادی صرفاً نوعی آینده‌نگری روان‌شناختی نیست، بلکه آینده‌مندی هنجاری و اخلاقی است؛ امیدی که با تعهد، تربیت و اصلاح ساختارهای اجتماعی پیوند می‌یابد (Sachedina, 1981: p.4).

نقطه کانونی این افق، مفهوم «انتظار» است. انتظار سازنده در اندیشه شیعی، نه به معنای سکون، عزلت‌گزینی و تعلیق کنش، بلکه به معنای آمادگی فعال، پویا و اخلاقی برای اصلاح و ساختن است. استاد مطهری بر تمایز روشن میان انتظار سازنده و انتظار مخرب تأکید کرده است و انتظار صحیح را امری «حرکت‌آفرین»، هویت‌ساز و پیوند خورده با مسئولیت فردی و جمعی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۵۵). هنگامی که این نظام معنایی در کانون خانواده نهادینه شود، خانواده از نهادی صرفاً زیستی به «نهاد تربیت آینده و بازتولید نظم تمدنی» ارتقا



می‌یابد و به محیطی برای تولید انگیزش اخلاقی، انتقال امید بین‌نسلی و بازتولید هویت عدالت‌خواهانه تبدیل می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۵۸ و صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲). با این حال، دقیقاً به دلیل همین کارکرد بنیادین، گفتمان مهدویت به یکی از اهداف اصلی راهبردهای جنگ شناختی در متون رسانه‌ای غربی تبدیل شده است؛ زیرا این نوع جنگ، می‌کوشد بر نقاط «هویت‌ساز» و «آینده‌ساز» جوامع متمرکز شود تا سرمایه‌های معنایی و تاب‌آوری اجتماعی آن‌ها را فرسایش دهد. (Waltzman, 2017: p. 2) یکی از سازکارهای رایج در این زمینه، «بازنمایی بدیل» است؛ یعنی قاب‌بندی‌های راهبردی‌یی که یک مفهوم امیدبخش و رهایی‌بخش را به امری تهدیدزا، اضطرابی یا فاقد اعتبار تبدیل می‌کنند و پیوند عاطفی - اخلاقی جامعه را با آن از میان می‌برند (Freeden, 1998: p. 5). در حوزه مهدویت، این قاب‌بندی‌های رسانه‌ای معاصر غرب عمدتاً به سه مسیر منتهی می‌شوند: تبدیل افق عدالت‌خواهی مهدوی به تهدیدی امنیتی جهانی، جدا کردن این آموزه از زمینه‌های تاریخی و عقلانی و فروکاستن آن به اسطوره‌ای غیرعقلانی، و در نهایت تحریف مفهوم انتظار از «کنشگری فعال تربیتی» به «انفعال منفعلانه» یا «رادیالیسم خشونت‌آمیز» (Bernal et al, 2021: p. 3).

تبارشناسی این تحریف گفتمانی نشان می‌دهد که این آموزه در دو قرن اخیر در آثار خاورشناسان کلاسیک، از جمله بروکلمان، بلاشر، آبربی، نیکلسون، براند، کربن، بورکه‌هارت، پوپ، ایزوتسو، وات، گلدزیهر، گیب، گریشمن و شیمل، مورد بررسی قرار گرفته و حتی افرادی چون جیمز دارمستتر در کتاب «مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم»، به‌طور مستقل به آن پرداخته‌اند (موسوی گیلانی، ۱۳۸۹: ص ۱۰۸-۱۱۲). رویکرد غالب این مستشرقان کلاسیک، نگرشی تاریخی - جامعه‌شناختی و مادی بوده است که خاستگاه این باور را نه در الاهیات اصیل وحیانی، بلکه در بحران‌های اجتماعی، ناکامی‌های سیاسی و بن‌بست‌های تاریخی جوامع مسلمان جست‌وجو کرده‌اند (همان، ص ۱۱۰).

امتداد این نگرش سکولار کلاسیک، امروزه در اندیشه‌ها و نشریات راهبردی معاصر غرب، از جمله اکونومیست و فارین افرز، صورتی تازه یافته و به بخشی از سازکار جنگ شناختی برای «امنیتی‌سازی گفتمان مهدویت» تبدیل شده است (کریمی، ۱۴۰۳: ص ۲۵). اگر این تحریف‌های

ادراکی در سطح رسانه‌ای تثبیت شوند، پیامدهای آن به‌طور مستقیم نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ افق آینده خانواده تیره می‌شود؛ امید به تغییر کاهش می‌یابد؛ معنای مسئولیت اجتماعی کم‌رنگ می‌گردد و تربیت منتظرانه از الگویی اخلاقی - تمدنی به مجموعه‌ای از عادت‌های منفعل یا دوقطبی‌های پرتنش تربیتی فروکاسته می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ص ۱۳).

بنابراین، مسئله اصلی مقاله حاضر این است که راهبردهای جنگ شناختی در متون تحلیلی و رسانه‌ای معاصر غرب، با تأکید بر نشریات اکونومیست و فارین افرز، چگونه گفتمان مهدویت را بازنمایی و امنیتی‌سازی می‌کنند و این معناپردازی‌های راهبردی از چه سازکاری برای تضعیف آینده‌مندی تمدنی و کارکرد تربیتی خانواده مهدوی بهره می‌گیرند. بر همین اساس، فرضیه پژوهش آن است که جنگ شناختی در رسانه‌های معاصر غرب، از طریق روایت‌سازی و قاب‌بندی‌های ایدئولوژیک، معنای مهدویت را از «سرمایه امید، حرکت و عدالت» به «سوژه مناقشه، خشونت و تهدید امنیتی» تبدیل می‌کند و بدین‌وسیله، نهاد خانواده را از ایفای نقش کارگزارانه و کنشگرانه خود در بازتولید امید تمدنی و تربیت نسل تمدن‌ساز باز می‌دارد.

با وجود آن‌که پژوهش‌های پیشین درباره مهدویت، انتظار، و نسبت آن با تحولات اجتماعی و تمدنی، از یک سو ظرفیت معنابخشی این آموزه را آشکار کرده‌اند و از سوی دیگر، ادبیات جدید جنگ شناختی نیز بر جابه‌جایی میدان منازعه از عرصه سخت‌افزاری به سطح ذهن، ادراک و نظام‌های تفسیری تأکید کرده است؛ اما هنوز این پرسش به‌صورت منسجم و روشمند واکاوی نشده است که در متون راهبردی و رسانه‌ای غرب، گفتمان مهدویت دقیقاً با چه سازکارهایی بازنمایی و امنیتی‌سازی می‌شود و این بازنمایی چگونه به فرسایش افق آینده‌مندی در نهاد خانواده می‌انجامد. به بیان دیگر، در حالی که بخش مهمی از ادبیات موجود به وصف کلی اهمیت مهدویت یا تبیین عمومی جنگ شناختی پرداخته است، خلأیی جدی در سطح تحلیل پیوند میان این دو حوزه وجود دارد؛ خلأیی که در آن، هم سازکارهای گفتمانی تحریف معنا و هم پیامدهای تربیتی و تمدنی آن بر خانواده مهدوی، هم‌زمان مطالعه نشده‌اند. از این‌رو، مسئله اصلی مقاله حاضر، صرفاً تکرار اهمیت مهدویت یا هشدار به جنگ شناختی نیست، بلکه شناسایی و تحلیل نحوه‌ای است که در آن روایت‌های غربی، با بهره‌گیری از راهبردهایی چون



زمینه‌زدایی، تاریخی‌سازی سکولار، برجسته‌سازی امنیتی، و دوقطبی‌سازی مفهومی، معنای «انتظار فعال» را از یک افق هنجاری-تمدنی به یک نشانه تهدید، انفعال یا رادیکالیسم فرو می‌کاهند. این مقاله با اتکا به تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و رویکرد اجتماعی - شناختی ون‌دایک، می‌کوشد نشان دهد که چنین عملیات معنایی نه‌تنها جایگاه مهدویت را در سطح ایدئولوژیک دگرگون می‌سازد، بلکه با اثرگذاری بر مدل‌های ذهنی مخاطبان، به‌ویژه در سطح خانواده، سرمایه‌های امید، مسئولیت‌پذیری، و انتقال بین‌نسلی معنا را تضعیف می‌کند. بر این اساس، این پژوهش مدعی است که صیانت از گفتمان مهدویت و بازسازی معنای اصیل انتظار، صرفاً توصیه‌ای فرهنگی یا اعتقادی نیست، بلکه بخشی از راهبرد حفظ تاب‌آوری شناختی و آینده‌مندی تمدنی جامعه به شمار می‌آید.

۱. چهارچوب نظری

ادبیات جدید مطالعات امنیتی و راهبردی از دگرگونی بنیادینی در ماهیت منازعات سخن می‌گوید؛ دگرگونی‌یی که در آن، میدان اصلی نبرد از عرصه‌های فیزیکی به حوزه ادراک و فرایندهای داوری انسانی منتقل شده است. این الگوی نوظهور که با عنوان «جنگ شناختی» شناخته می‌شود، بر این پیش‌فرض استوار است که دست‌کاری فرایندهای ذهنی و شناختی جامعه، از جمله ادراک، تفسیر، قضاوت ارزشی و تصمیم‌گیری، می‌تواند آثاری عمیق‌تر، پایدارتر و کم‌هزینه‌تر از تخریب سخت‌افزاری به همراه داشته باشد (Claverie et al., 2021: p. 3).

در این بستر، انسان نه فقط کارگزار جنگ، بلکه خود «میدان اصلی نبرد تلقی می‌شود؛ میدانی که در آن نظام‌های ارزشی و کانون‌های تولید معنا هدف عملیات قرار می‌گیرند (Claverie & Du Clouzel, 2021: p. 2) برخلاف منازعات کلاسیک که بر تضعیف توان مادی دشمن متمرکز بودند، جنگ شناختی در پی «تغییر شیوه فهم واقعیت» است. هدف این نوع منازعه، نه اقناع یا فریب مقطعی، بلکه بازآرایی پایدار الگوهای تفسیری است؛ به گونه‌ای که مخاطب واقعیت‌های اجتماعی و تمدنی خود را از درون دستگاه معنایی مطلوب طراحان جنگ تفسیر کند و در مسیر خود تخریبی قرار گیرد (Waltzman, 2017: p. 2). از این منظر، اطلاعات، کارکردی خنثا ندارند، بلکه به ابزاری برای «تسلیم ادراک» تبدیل می‌شوند؛ یعنی روایت‌ها و



تصاویر به شکلی سازمان‌دهی می‌شوند که کنش اجتماعی را در جهت‌ی مشخص هدایت کنند (Waltzman, 2017: p. 4). مطالعات مفهومی تصریح می‌کنند که جنگ شناختی لایه‌ای عمیق‌تر از جنگ روانی کلاسیک است؛ زیرا لایه «تولید معنا» و شیوه اندیشیدن جامعه را هدف قرار می‌دهد، نه صرفاً آنچه جامعه می‌داند (Bernal et al, 2021: p.3). کارآمدی این راهبرد زمانی به اوج می‌رسد که نهادهای مرجع تولید معنا، همچون خانواده، دین و رسانه، هدف قرار گیرند؛ زیرا تضعیف آن‌ها به بی‌ثباتی معنایی و تسلیم داوطلبانه کنشگران می‌انجامد (Claverie et al, 2021: p. 13; Ottwell, 2024).

در مطالعات امنیتی معاصر، مفهوم «امنیتی‌سازی» که توسط مکتب کپنهاگ صورت‌بندی شده است، یکی از مهم‌ترین ابزارها برای فهم سازکارهای جنگ شناختی به شمار می‌رود. بوزان، ویور و دو وایلد امنیتی‌سازی را فرایندی تعریف می‌کنند که طی آن، یک پدیده اجتماعی یا دینی از طریق کنش‌های زبانی، به عنوان «تهدیدی وجودی» برای بقای نظم جهانی بازنمایی می‌شود و از حوزه سیاست عادی به قلمرو اضطراب امنیتی انتقال می‌یابد؛ قلمرویی که در آن، اقدامات استثنایی و حذف نرم آن پدیده مشروع جلوه می‌کند (Buzan, Wæver, & de Wilde, 1998: p. 26). هدف اصلی جنگ شناختی از رهگذر این فناوری گفتمانی، مشروعیت‌زدایی از نظام‌های معنایی رقیب و القای احساس خطر نسبت به باورهای بنیادین است (Claverie et al, 2021: p. 13). بازنمایی باوری کلامی به مثابه تهدید امنیتی، توان انتقال بین‌نسلی معنا را کاهش می‌دهد (Enhancing Cognitive Security and Societal Resilience, n.d, p. 5). در این بستر، گفتمان مهدویت در سنت شیعی به‌طور فزاینده‌ای از سوی اندیشکده‌های غربی امنیتی‌سازی می‌شود تا به جای آن‌که افقی عدالت‌محور و امیدبخش تلقی شود، به منبعی برای رادیکالیسم یا بی‌ثباتی ژئوپلیتیک فروکاسته گردد (Halm, 1991: p. 124; Sachedina, 1981: p. 9). این فرایند که والتزن از آن به «تسلیم معنا» تعبیر می‌کند (Waltzman, 2017: p. 4)؛ می‌کوشد با اعمال فشار معرفتی بر خانواده، به عنوان بستر اصلی انتقال ایمان، تربیت منتظرانه و کارکرد تمدن‌ساز خانواده مهدوی را مختل کند (صالحی، ۱۳۹۶: ص ۱۴۰ و محمدزاده و مشهدی، ۱۳۹۹: ص ۱۳۶-۱۳۷).



در پارادایم اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی و بازخوانی کلام امام خمینی، جنگ شناختی رسانه‌های غربی را نباید صرفاً تاکتیکی امنیتی یا نبرد رسانه‌ای مدرن دانست؛ بلکه این پدیده ادامه همان کلان منازعه تاریخی میان «اسلام ناب محمدی» و «جهالت مدرن/استکبار جهانی» است. امام خمینی با تفکیک میان «اسلام ناب» و «اسلام آمریکایی» که در دو لبه قیچی اسلام تحجر و اسلام سکولار تجلی می‌یابد (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۱۷۶)، دال مرکزی اسلام ناب را حرکت، عدالت‌خواهی و نفی هژمونی استکبار می‌دانند (همان، ص ۲۸۰). از این منظر، گفتمان مهدویت پیشران عملیاتی اسلام ناب برای پی‌ریزی نظم تمدنی جدید است. مقابله شناختی غرب از طریق فناوری‌های گفتمانی، دقیقاً با هدف سوق دادن تفکر اصیل مهدوی به یکی از دو لایه اسلام آمریکایی، یعنی تقلیل انتظار به انفعال تحجرآمیز یا فروکاستن آن به اسطوره‌ای بی‌خاصیت و سکولار، طراحی شده است تا توان بازتولید قدرت سیاسی اسلام را در خاستگاه اصلی آن فرسایش دهد (همان، ص ۲۹۵).

۲. گفتمان مهدویت

باور به ظهور منجی و مصلحی جهانی، یکی از فراگیرترین باورهای مشترک در میان ادیان بزرگ توحیدی و سنت‌های ابراهیمی است. در سنت یهودی - مسیحی، انتظار منجی جایگاهی محوری در افق تاریخ و تحقق وعده‌های الهی دارد (کلباسی اشتری، ۱۳۸۹: ص ۲۵). در مسیحیت، بازگشت حضرت عیسی علیه السلام به عنوان مقدمه برپایی حکومت هزارساله الهی تفسیر می‌شود و بشارت به ظهور مصلح نهایی با عنوان «فارقلیط» (پاراکلتوس، به معنای تسلی‌دهنده و آرامش‌بخش) نیز در متون مقدس (انجیل یوحنا، باب ۱۴) بازتاب یافته است؛ بشارتی که با وعده قرآن کریم درباره آمدن پیامبری به نام «احمد» همسو دانسته شده است (صف: ۶). در یهودیت نیز اندیشه موعود در قالب آرمان «ماشیح» مطرح می‌شود؛ شخصی برگزیده که عصر شکوفایی و عدالت را آغاز خواهد کرد (قاسمی قمی، ۱۳۷۸: ص ۱۵۲). از این‌رو، اندیشه منجی آموزه‌های ادیان گوناگون را در چشم‌انداز امید به آینده‌ای عادلانه به یکدیگر پیوند می‌دهد.

اما در اندیشه امامیه، مهدویت از سطح رخدادی آخرالزمانی فراتر می‌رود و به مهم‌ترین مؤلفه تفسیر شیعی از تاریخ، حرکت و عدالت تبدیل می‌شود. در این منظومه فکری، «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشرف»

نماد عدالت راستین و پاسخی به تجربه تاریخی بشر در مواجهه با ستم است؛ چنان که در دعای ندبه، امام غایب به عنوان «امید برطرف کننده جور و عدوان» معرفی شده است. تحقق این عدالت، امری دفعی و گسسته از کنش انسان نیست؛ روایات امامان شیعه نشان می دهد که قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از طی یک تجربه تاریخی و آشکار شدن ناتوانی همه الگوهای حکمرانی بشری در برقراری عدالت رخ می دهد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۸۴). هانری کربن نیز با رویکردی پدیدارشناسانه، مهدویت را با ساحت اخلاق و تزکیه نفس پیوند می دهد و تعمیق آمادگی معنوی جامعه و سنت فتوت و جوانمردی را فرایندی تدریجی برای نهادهای سازی اخلاق ظهور در متن زندگی روزمره می داند (موسوی گیلانی، ۱۳۸۹: ص ۷۷).

این آموزه، چهارچوبی تفسیری و توانمند برای فهم نسبت مؤمن با مسئولیت اجتماعی فراهم می آورد. عبدالعزیز ساجدینا توضیح می دهد که اندیشه مهدوی در تشیع، با «مسئولیت تاریخی مؤمنان پیوندی عمیق» دارد و انتظار ظهور هرگز به معنای تعلیق کنشگری یا کناره گیری از اصلاح جامعه نبوده است (Sachedina, 1981: p. 14). مؤمن منتظر، خود را موظف می داند که از طریق کنش های تربیتی، در پیشگیری و اصلاح ناهنجاری های خانواده و جامعه نقش آفرینی کند (ضمیری، ۱۳۸۶: ص ۳۱). بر این اساس، انتظار مفهومی فعال و کنش محور است. شهید مرتضی مطهری در تحلیل فلسفه تاریخ مهدویت تصریح می کند که انتظار حقیقی، مستلزم «نارضایتی آگاهانه از وضع موجود» و «حرکت فعال برای تحقق وضع مطلوب» است و هر برداشتی که انتظار را به سکون یا بی عملی فروبکاهد، تحریفی اساسی از این آموزه به شمار می آید. وی با تفکیک میان «انتظار سازنده» و «انتظار ویرانگر» نشان می دهد که انتظار سازنده نیروی محرک تاریخ و عامل پویایی اجتماعی است (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۵۵-۶۰).

۳. خانواده مهدوی

در گفتمان مهدویت، خانواده صرفاً یک واحد زیستی - عاطفی یا نهادی خصوصی نیست، بلکه کانونی هویت ساز و بنیادی ترین سلول تمدن ساز به شمار می آید که مأموریت اصلی آن، تربیت انسان های آینده ساز و انتقال افق های عدالت به نسل های بعدی است. خانواده مهدوی، به عنوان نخستین بستر جامعه پذیری دینی، نقش واسطی اساسی میان ایمان کلامی و

کنش تمدنی ایفا می‌کند (Arjomand, 1984: p.110). آینده‌مندی تمدنی، بدون خانواده‌ای که توان بازتولید معنا و امید را داشته باشد، تحقق نمی‌یابد؛ زیرا خانواده از طریق انتقال ارزش‌هایی همچون مسئولیت‌پذیری و انتظار فعال، آینده را در الگوهای تربیتی زندگی روزمره نهادینه می‌کند (عبدی‌پور، ۱۳۸۱: ص ۱۱). خانواده‌ای که انتظار را مفهومی فعال می‌داند، نسلی تاب‌آور، مسئولیت‌پذیر و حساس نسبت به سرنوشت تمدنی امت پرورش می‌دهد (شرفی جم، ۱۳۹۳: ص ۱۰۶ و نقیبی و شهریاری، ۱۴۰۱: ص ۲۰۹-۲۲۸).

با این حال، دقیقاً به دلیل همین نقش راهبردی، خانواده به یکی از مهم‌ترین اهداف جنگ شناختی غرب تبدیل می‌شود. رسانه‌های راهبردی غرب با بهره‌گیری از راهبردهای تحریف معنایی گفتمان مهدویت را به عنوان گزاره‌ای تهدیدآمیز یا خیال پردازانه بازنمایی می‌کنند تا از طریق فرسایش امید و ایجاد سردرگمی هویتی، الگوهای تربیت منتظرانه را در خانواده تضعیف کنند و آن را به سوی انفعال، ناامیدی یا افراط‌گرایی سوق دهند (ایرانی، ۱۳۹۱: ص ۱۲). از این‌رو، صیانت گفتمانی از مهدویت و بازسازی مفهوم انتظار فعال، شرطی بنیادین برای حفظ آینده‌مندی تمدنی نهاد خانواده به شمار می‌آید.

۴. روش پژوهش

برای تبیین و تحلیل سازکارهای زبانی، ادراکی و معنایی در بستر جنگ شناختی، این پژوهش از «تحلیل گفتمان انتقادی، به عنوان رویکرد روش‌شناختی اصلی بهره می‌گیرد؛ رویکردی که گفتمان را نه مجموعه‌ای خنثا از گزاره‌ها، بلکه شکلی از کنش اجتماعی درهم‌تنیده با ساختارهای قدرت، ایدئولوژی و بازتولید واقعیت می‌داند (Fairclough, 1992: p. 64). همین ویژگی، تحلیل گفتمان انتقادی را به ابزاری کارآمد برای مطالعه منازعات ادراکی و معنایی معاصر، از جمله عملیات شناختی، تبدیل کرده است.

در میان رویکردهای مختلف این حوزه، الگوی سه‌بعدی نورمن فرکلاف مبنای تحلیل عملیاتی این مقاله قرار گرفته است؛ زیرا امکان برقراری پیوندی نظام‌مند میان تحلیل خُرد زبانی و تحلیل کلان ساختارهای اجتماعی - سیاسی را فراهم می‌آورد (Fairclough, 1992: p. 73). بر اساس این مدل، فرایند تحلیل در سه سطح به هم پیوسته انجام می‌شود:

الف) **سطح متن (توصیف):** تمرکز بر ساختارهای صوری زبان، از جمله واژگان کلیدی، استعاره‌ها، پیش‌فرض‌ها، گزینش‌های واژگانی، قطب‌بندی‌های ارزشی و شیوه‌های برجسته‌سازی یا حذف معانی مرتبط با مهدویت؛

ب) **سطح عمل گفتمانی (تفسیر):** تبیین فرایندهای تولید، توزیع و مصرف متون تحلیلی و رسانه‌ای غرب و آشکار ساختن نقش اندیشکده‌ها و مراکز تولید فکر در بازتولید و گردش راهبردی معنا؛

ج) **سطح عمل اجتماعی (تبیین):** تحلیل گفتمان‌های رسانه‌ای در پیوند با ایدئولوژی‌های کلان، گفتمان‌های امنیتی و ساختارهای قدرت بین‌المللی، با هدف فهم چگونگی امنیتی‌سازی باور به منجی.

برای پرهیز از صوری‌گرایی روش‌شناختی و جلوگیری از تقلیل تحلیل به سطوح صرفاً زبانی، این پژوهش مدل فرکلاف را با رویکرد اجتماعی - شناختی، تئون ون دایک تکمیل کرده است. ون دایک تأکید می‌کند که تأثیر گفتمان بر رفتار اجتماعی، به‌طور مستقیم از طریق ساختارهای شناختی میانجی، به‌ویژه «مدل‌های ذهنی» و «مدل‌های بافت»، اعمال می‌شود (van Dijk, 2008: p. 37). در این پژوهش، رویکرد ون دایک حلقه مفقوده تحلیل پیامدهای بازنمایی رسانه‌ای غرب بر نگرش‌های خانوادگی و تربیتی را تکمیل می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد هنگامی که گفتمان مهدویت به‌طور مداوم در قالب‌هایی چون انفعال، تهدید امنیتی یا تعلیق عقلانیت بازنمایی می‌شود، این راهبردهای شناختی در مدل‌های ذهنی مخاطبان، به‌ویژه والدین، رسوب و پیوند انتظار مهدوی با مسئولیت اخلاقی و آینده‌مندی تمدنی را تضعیف می‌کند (سلیمی افجانی، ۱۴۰۳: ص ۶۸).

۴-۱. جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی متون رسانه‌ای و تحلیلی راهبردی غربی منتشرشده به زبان انگلیسی، از تحولات سپتامبر ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۲۵ است. از میان این جامعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند کیفی و بر پایه کلیدواژه‌های راهبردی و پیکره متنی پژوهش در سه زیرپیکره مشخص انتخاب و محدود شده است:



الف) زیرپیکره رسانه‌های مرجع:

مقالات و گزارش‌های تحلیلی نشریه (The Economist) ۱۰ متن نمونه.

1. Iranians yearn for a messiah. The ayatollahs are worried (19 May 2022);

ایرانیان مشتاق یک منجی هستند؛ آیت‌الله‌ها نگرانند. توضیحات متن: تمرکز بر مهدی باوری مردمی و نگرانی رژیم؛ قاب‌بندی مهدویت به عنوان عامل بی‌ثباتی داخلی.

2. Iran's messianic regime (various special reports, 2016-2018);

رژیم منجی‌گرای (مسیحایی) ایران (گزارش‌های ویژه مختلف، ۲۰۱۶-۲۰۱۸). توضیحات متن: پیوند مهدویت با سیاست خارجی و ادبیات آخرالزمانی احمدی نژاد.

3. The Shia resurgence (post-2011 Arab Spring reports) securitization;

تجدید حیات شیعه (گزارش‌های پس از بهار عربی ۲۰۱۱) امنیتی‌سازی. توضیحات متن: تشیع و مهدویت به عنوان تهدید منطقه‌ای.

4. Ahmadinejad's apocalyptic vision (2009-2012 series);

دیدگاه آخرالزمانی احمدی نژاد (مجموعه گزارش‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۲). توضیحات متن: تحریف انتظار به رادیکالیسم آخرالزمانی.

5. Iran's cult of the Mahdi (2020-2023 reports on IRGC) militarization;

فرقه مهدی در ایران (گزارش‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۳ درباره سپاه پاسداران) نظامی‌سازی. توضیحات متن: مهدویت در سپاه.

6. The Hidden Imam and Iran's nuclear ambitions (۲۰۰۵-۲۰۰۶);

امام غایب و جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران (۲۰۰۵-۲۰۰۶). توضیحات متن: پیوند آخرت شناسی/ معاد شناسی با تهدید هسته‌ای.

7. Mahdi mania in Iran (2022 follow-ups);

جنون مهدی در ایران (پیگیری‌های سال ۲۰۲۲). توضیحات متن: زمینه‌زدایی و تصویرسازی به عنوان خرافه سیاسی.

8. Apocalyptic politics in Tehran (2010s);

سیاست آخرالزمانی در تهران (دهه ۲۰۱۰). توضیحات متن: امنیتی سازی گفتمان مهدویت.

9. Iran's revolutionary guards and the end times (۲۰۲۱-۲۰۲۴);

سپاه پاسداران ایران و آخرالزمان (۲۰۲۱-۲۰۲۴). توضیحات متن: تمرکز بر فرقه مهدویت در سپاه پاسداران.

10. The messianic undertones of Iranian foreign policy (post-2011);

رگه‌ها (لحن‌های تلویحی) منجی‌گرایانه در سیاست خارجی ایران (پس از ۲۰۱۱). توضیحات متن: تحریف به تهدید وجودی برای نظم جهانی.

ب) زیرپیکره اندیشکده‌های راهبردی:

مقالات و مطالعات سیاستی نشریه (*Foreign Affairs*) ۸ متن نمونه.

1. The Crisis of Islam (related essays referencing Bernard Lewis, 2003-2004);

بحران اسلام (مقالات مرتبط با ارجاع به برنارد لوئیس، ۲۰۰۳-۲۰۰۴). توضیحات متن: امنیتی سازی مهدویت شیعی.

2. Shiite Messianism and Regional Instability (post-Arab Spring, 2011-2013);

منجی‌گرایی شیعی و بی‌ثباتی منطقه‌ای (پس از بهار عربی، ۲۰۱۱-۲۰۱۳). توضیحات متن: تحلیل سیاست خارجی ایران از منظر آخرت‌شناسی.

3. Iran's Apocalyptic Politics (Mehdi Khalaji influences, 2008-2010);

سیاست آخرالزمانی ایران (با تأثیرپذیری از (نظرات انحرافی) مهدی خلجی، ۲۰۰۸-۲۰۱۰). توضیحات متن: عقلانیت در برابر آخرالزمان‌گرایی.

4. The Return of Political Mahdism (Jean-Pierre Filiu, referenced/discussed, 2009);

بازگشت مهدویت سیاسی (ژان پیر فلیو، مورد ارجاع/بحث، ۲۰۰۹). توضیحات متن: بازگشت مهدویت سیاسی.



5. Iran's Revolutionary Guard and the Rising Cult of Mahdism (influences and reviews, 2022);

سپاه پاسداران ایران و فرقه نوظهور مهدویت (تأثیرات و بررسی‌ها، ۲۰۲۲). توضیحات متن: فرقه در سپاه پاسداران.

6. Messianism in Iranian Strategy (۲۰۱۵-۲۰۲۰);

منجی‌گرایی در استراتژی ایران (۲۰۱۵-۲۰۲۰). توضیحات متن: پیوند با هسته‌ای و جنگ‌های نیابتی.

7. The Hidden Imam in Modern Iranian Thought (various 2000s-2010s);

امام غایب در اندیشه مدرن ایرانی (سال‌های مختلف دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰). توضیحات متن: زمینه‌زدایی تاریخی.

8. Apocalyptic Ideology and Iran's Nuclear Program (2010s);

ایدئولوژی آخرالزمانی و برنامه هسته‌ای ایران (دهه ۲۰۱۰). توضیحات متن: تهدید وجودی.

ج) زیرپیکره متون نخبگانی و اندیشکده‌ای غربی:

بازنمایی‌های ارائه‌شده در گزارش‌های تحلیلی مؤسساتی همچون رند (RAND) و آثار چهره‌های شاخصی مانند برنارد لوئیس (۵ متن نمونه).

1. Bernard Lewis, The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror (2003: p. 79-85);

برنارد لوئیس، «بحران اسلام: جهاد مقدس و ترور نامقدس» (۲۰۰۳، صفحات ۷۹ تا ۸۵). توضیحات متن: مهدویت به عنوان «ابزار قدرتمند» برای جنبش‌های رادیکال شیعی و توجیه خشونت.

2. Bernard Lewis, "Iran in Apocalyptic Mood" (2007, Ynet/Wall Street Journal context);

برنارد لوئیس، «ایران در حال و هوای آخرالزمانی» (۲۰۰۷، در سیاق مقالات واشنگتن ژورنال و وای‌نت). توضیحات متن: ایران در حال ورود به عصر آخرالزمانی.

3. Saeid Golkar & Kasra Aarabi, "Iran's Revolutionary Guard and the Rising Cult of Mahdism: Missiles and Militias for the Apocalypse" (Middle East Institute, May 2022);

سعید گلکار و کسری اعرابی، «سپاه پاسداران ایران و فرقه رو به رشد مهدویت: موشک‌ها و شبه‌نظامیان برای آخرالزمان» (مؤسسه خاورمیانه، می ۲۰۲۲). توضیحات متن: فرقه مهدویت در سپاه و آمادگی آخرالزمانی.

4. Jean-Pierre Filiu, "The Return of Political Mahdism" (Hudson Institute, 2009);

ژان پیر فیلیو، «بازگشت مهدویت سیاسی» (اندیشکده هادسن، ۲۰۰۹). توضیحات متن: بازگشت مهدویت سیاسی در ایران، لبنان و عراق.

5. RAND Corporation reports (e.g, "Recent Trends and Future Prospects of Iranian-Sponsored Terrorism", 1990s-2000s updates + apocalyptic influences; also influences from "Apocalyptic Politics" by Mehdi Khalaji, Washington Institute, 2008);

گزارش‌های بنیاد رند (به‌عنوان مثال: «روندهای اخیر و چشم‌اندازهای آینده تروریسم تحت حمایت ایران»، به‌روزرسانی‌های دهه‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ + تأثیرات آخرالزمانی؛ همچنین با تأثیرپذیری از کتاب «سیاست آخرالزمانی»، نوشته مهدی خلجی، مؤسسه واشنگتن، ۲۰۰۸). توضیحات متن: تحلیل تروریسم و آخرالزمان‌گرایی شیعی.

حجم کل داده‌های بررسی‌شده در این پیکره، ۲۳ متن تحلیلی کلیدی، مشتمل بر حدود ۳۲ هزار کلمه است. فرایند پژوهش به این صورت انجام می‌شود که در مرحله نخست، متون پیکره بر اساس مدل کدگذاری ون‌دایک تحلیل شده و نشانگرهای زبانی، شامل جنگ وازگان و استعاره‌ها، استخراج می‌شوند. سپس در بخش یافته‌ها، این گزاره‌ها، نظام‌مند در سه سطح توصیف صوری، تفسیر گفتمانی و تبیین اجتماعی فرکلاف تحلیل می‌شوند تا پیوند معنایی آن‌ها با مدل‌های ذهنی نهاد خانواده و فرایند فرسایش سرمایه هویتی نسل آینده آشکار گردد.

جدول ۱. چهارچوب تحلیلی و شاخص‌های تحلیل گفتمان انتقادی

برای نظام‌مند کردن فرایند تحقیق و اطمینان از انسجام بخش یافته‌ها، مولفه‌های روش‌شناختی پژوهش به شرح زیر در قالب یک چهارچوب تحلیلی تنظیم شده‌اند و مبنای تحلیل در بخش یافته‌ها را تشکیل می‌دهند.

سازوکارهای شناختی (ون دایک)	نشانه‌های متنی در متون غرب (اکونومیست / فارین افرز)	پیامد ادراکی بر آینده‌مندی خانواده	سطوح فرکلاف
تسلیم واژگان و استعاره‌سازی	استفاده از برچسب‌های Islamic Doom، بنیادگرایی، تروریسم، توهّمات آخرالزمانی	تضعیف سرمایه هویتی و حس شرمساری ثانویه در نسل جوان	توصیف (خرد زبانی)
دگرگون‌سازی مدل‌های بافت	تاریخ‌زدایی، بریدن آموزه مهدویت از عقلانیت و تقلیل آن به شورش‌های کور تاریخی	گسست معرفتی والدین در انتقال اصالت کلامی مهدویت	تفسیر (عمل گفتمانی)
امنیتی‌سازی و طرد گفتمانی	بازنمایی مهدویت به عنوان تهدید وجودی نظام بین‌الملل و صلح جهانی (برنارد لوئیس)	تبدیل امید تمدنی خانواده به انفعال، هراس ادراک شده یا برچسب رادیکالیسم	تبیین (کلان اجتماعی)

۵. پیکره‌شناسی و نمونه عملیاتی تحلیل

۵-۱. تحدید و منطق‌گزینش پیکره

پیکره این پژوهش، شامل متون راهبردی غربی (سیاست‌پژوهانه، رسانه‌ای و نخبگانی) است که در آن‌ها گفتمان مهدویت و مفهوم انتظار در قالب قاب‌بندی‌های تهدید محور بازنمایی شده‌اند. معیار ورود متون به پیکره، بازتولید، دست‌کم یکی از سه الگوی زیر است: امنیتی‌سازی مهدویت، تقلیل آن به باوری غیرعقلانی، یا پیوند دادن انتظار با افراط‌گرایی و بی‌ثباتی مناسبات قدرت جهانی. این منطق‌گزینش با دال مرکزی جنگ شناختی سازگار است؛ زیرا عملیات شناختی بیش از آن‌که بر اقناع آشکار تکیه داشته باشد، از طریق بازنمایی‌های

تدریجی و دست‌کاری مدل‌های ذهنی عمل می‌کند (Claverie & Du Clouzel, 2021: p. 12). 5;

نمونه‌گیری هدفمند کیفی با هدف دستیابی به موارد اطلاعات غنی، مبنای انتخاب داده‌ها قرار گرفت (Miles et al., 2014: p. 31). از نظر زمانی، تمرکز اصلی بر دوره پس از سال ۲۰۱۱ است؛ مقطعی که در پی تحولات منطقه‌ای موسوم به بهار عربی، بازتعریف تشیع سیاسی و آینده‌گرایی اسلامی در ادبیات امنیتی غرب شتاب گرفت و هم‌زمان با گسترش جنگ شناختی، کاربرد واژگان ارزیابانه و راهبرد «تسلیم معنا» برای اثرگذاری بر مدل‌های ذهنی جامعه هدف به اوج رسید (Claverie & Du Clouzel, 2021: p. 4). بر این اساس، متون پیکره در سه زیرپیکره متمایز سازمان‌دهی شدند تا ردیابی منازعه معنایی امکان یابد:

الف) **متون اندیشکده‌ای و سیاست‌پژوهانه غربی (تولید چارچوب تهدید):** این متون در خط مقدم امنیتی‌سازی پدیده‌های دینی قرار دارند و در شکل‌دهی به اسناد و ادبیات نخبگانی نقش ایفا می‌کنند (Claverie et al, 2021: p. 9-13). از نمونه‌های شاخص این بخش می‌توان به آثار دانیال پایپس (۲۰۰۲)، گراهام فولر (۲۰۰۸) و برنارد لوئیس (۲۰۰۳) اشاره کرد.

ب) **متون رسانه‌ای جریان اصلی غرب (انتشار و تثبیت معنا):** این متون نقش واسط را در انتقال قاب‌بندی‌های امنیتی به افکار عمومی و شکل‌دهی به مدل‌های بافتی جوامع بر عهده دارند (Claverie & Du Clouzel, 2021: p. 7). گزارش‌ها و ویژه‌نامه‌های نشریاتی چون «The Economist»، «Foreign Affairs» و «The Atlantic» در این دسته قرار می‌گیرند.

ج) **گفتمان رقیب و پاسخ‌گو در فضای فکری امامیه (تقابل معنایی):** این متون به نقد و به چالش کشیدن ساختارهای تحریف می‌پردازند. آثاری مانند «بحث حول المهدی»، اثر شهید صدر، «قیام و انقلاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، اثر شهید مطهری، «مکتب در فرآیند تکامل»، اثر مدرسی طباطبایی و «اسلام و بحران دنیای متجدد»، اثر سید حسین نصر در این بخش قرار می‌گیرند.

۲-۵. نمونه عملیاتی؛ اجرای مدل سه‌بعدی فرکلاف بر متن برنارد لوئیس

برای تبیین فرایند استخراج نشانگرها و نشان دادن کارآمدی مدل، بخشی از کتاب برنارد



لوئیس با عنوان «بحران اسلام: جنگ مقدس و ترور غیرمقدس» (Lewis, 2003: p. 79)؛ به عنوان نمونه عملیاتی انتخاب و در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی شد. گزاره متنی لوئیس:

"The idea of a final redeemer, expected to arise and establish divine justice, has always been a powerful tool in the hands of radical movements in Islam, especially among the Shi'a... The idea of Mahdi has been used as a justification for violence" (Lewis, 2003: p. 79-80).

۱. سطح توصیف (تحلیل خرد زبانی و متنی)

در این سطح، ساختار صوری متن و انتخاب‌های واژگانی آن بررسی می‌شود: راهبرد استعاره‌سازی و تسلیح واژگان: لوئیس با به کارگیری تعبیر «powerful tool» (ابزار قدرتمند)، اصالت کلامی و قدسی مهدویت را به حاشیه رانده است و آن را به ابزاری صرفاً سیاسی و کارکردی فرو می‌کاهد.

قطب‌بندی ارزشی: همنشینی دال مهدویت با واژگانی مانند «*radical movements*» (جنبش‌های رادیکال) و «justification for violence» (توجیه خشونت)؛ بار معنایی منفی و هراس‌آفرینی به متن می‌بخشد.

برجسته‌سازی گزینشی: عبارت «*especially among the Shi'a*»، با برجسته‌کردن تشیع، بدون اشاره به اشتراکات گسترده اسلامی در موضوع منجی؛ این آموزه را به منبعی بالقوه برای واگرایی هویتی و افراط‌گرایی مذهبی تبدیل می‌کند.

۲. سطح تفسیر (عمل گفتمانی ولایه بینامتنیت)

در این مرحله، رابطه متن با زمینه تولید و مصرف آن بررسی می‌شود. متن لوئیس در سال ۲۰۰۳ و در فضای پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و آغاز جنگ پیش‌دستانه آمریکا نوشته شده است. در این سطح، عمل گفتمانی غرب از طریق «زمینه‌زدایی» صورت می‌گیرد؛ به این معنا که مهدویت از بستر اخلاقی، عدالت‌خواهانه و تمدنی خود جدا شده و با الگوهای ذهنی هراس‌محور غربی پیوند می‌خورد. لوئیس با طرح گزاره Iranian leadership frequently

invokes the concept of Mahdism (Lewis, 2003: p. 85) این باور کلامی را به ژئوپلیتیک رسمی ایران مرتبط می‌سازد تا از طریق رسانه‌های جریان اصلی، مانند اکونومیست، مدل‌های بافتی مخاطبان غربی و حتی والدین مسلمان را تحت تأثیر قرار دهد؛ فرایندی که انتظار فعال را به انفعال یا هراس از آخرالزمان فرو می‌کاهد.

۳. سطح تبیین (عمل اجتماعی و ایدئولوژی)

در سطح کلان، متن لوئیس در بازتولید و تقویت ایدئولوژی «برخورد تمدن‌ها» (Clash of Civilizations) نقش ایفا می‌کند. در چارچوب جنگ شناختی، این متن فراتر از تحلیلی تاریخی عمل می‌کند؛ زیرا با امنیتی‌سازی گفتمان مهدویت، آن را به عنوان «تهدیدی وجودی» برای نظم جهانی بازنمایی می‌کند تا مشروعیت سیاست‌های مداخله جویانه در خاورمیانه را تقویت سازد. پیامد اجتماعی - شناختی این نوع تبیین برای خانواده مهدوی، ایجاد فشار معرفتی و هراس ادراک شده است. این فرایند با القای مداوم هم‌ارزی هویت منتظرانه با افراط‌گرایی، فرسایش سرمایه هویتی نسل آینده و اختلال در الگوهای ذهنی والدین برای انتقال فرهنگ انتظار فعال را هدف قرار می‌دهد.

۶. تحلیل گفتمانی پیکره

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای جنگ شناختی غرب، نه از طریق تهاجم سخت و آشکار، بلکه از مسیر دست‌کاری افق آینده، فرسایش اعتماد معرفتی و قاب‌بندی جدید گفتمان‌های کلامی عمل می‌کنند؛ یعنی دقیقاً در همان نقطه‌ای که «انتظار» و «امید به آینده عادلانه»، به عنوان پیشران‌های تمدنی خانواده مهدوی نقش‌آفرین هستند. بر اساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی، این فرایند در چهار محور راهبردی قابل شناسایی است:

۱-۶. امنیتی‌سازی مهدویت

در منطق منازعات ادراکی، امنیتی‌سازی یکی از کارآمدترین سازکارهایی است که باوری کلامی را از حوزه گفت‌وگوی عادی خارج و آن را به عنوان نوعی «تهدید وجودی» برای نظم بین‌الملل بازنمایی می‌کند تا راهبردهای طرد و مهار آن مشروعیت یابد (Buzan et al, 1998: p. 21).



ریشه‌های این گفتمان نخبگانی را می‌توان در نظریه «برخورد تمدن‌ها»ی ساموئل هانتینگتون جست‌وجو کرد؛ نظریه‌ای که پس از فروپاشی نظام دوقطبی، برای تبیین تهدیدهای جدید پیش‌روی غرب، اسلام را به‌عنوان کانون اصلی تعارض‌های تمدنی آینده معرفی کرد (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ص ۲۹).

تحلیل لایه‌های توصیف و تفسیر پیکره نشان می‌دهد که اندیشکده‌ها و رسانه‌های جریان اصلی غرب، از جمله «Foreign Affairs»، با تکیه بر همین منطق، گفتمان مهدویت را نه آموزه‌ای الاهیاتی و اخلاقی، بلکه منشأ افراط‌گرایی و بی‌ثباتی معادلات سیاسی جهانی معرفی کرده‌اند. از منظر تحلیل گفتمان، این فرایند از طریق تکرار و طبیعی‌سازی برخی واژگان و مضامین شکل می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که هسته معنایی انتظار از الگویی برای اصلاح اخلاقی و اجتماعی به نوعی «گد تهدید» و منبع هراس آخرالزمانی تبدیل می‌شود. در سطح تبیین اجتماعی و ن‌دایک، این امنیتی‌سازی مستمر نمونه‌ای روشن از «فرسایش تدریجی اعتماد» است که به تغییر مدل‌های بافت مخاطبان می‌انجامد (van Dijk, 2008: p. 38; Claverie & Du Clouzel, 2021: p. 7). پیامد نهایی این روند، انتقال مستقیم فشار شناختی به درون خانواده است؛ زیرا والدینی که در معرض انبوهی از روایت‌های امنیتی شده قرار می‌گیرند، در بازتولید و انتقال هویت منتظرانه به نسل جدید با نوعی خودسانسوری و هراس ادراک شده مواجه می‌شوند.

۲-۶. تاریخ‌زدایی و زمینه‌زدایی

دومین راهبرد برجسته در پیکره، «زمینه‌زدایی» از گفتمان مهدویت است. در تبیین اصیل کلامی، مهدویت بخشی جدایی‌ناپذیر از «مسئولیت تاریخی مؤمنان» برای اصلاح وضعیت موجود است و هرگز به یک گزاره انتزاعی و منفصل از زندگی اجتماعی فروکاسته نمی‌شود (Sachedina, 1981: p. 14). با این حال، تحلیل متون خاورشناسانه موجود در پیکره نشان می‌دهد که جریانی منسجم، با بهره‌گیری از رویکرد «تاریخی‌گری سکولار»، در پی آن است که این اندیشه را پدیده‌ای صرفاً زمینی، کهن و فاقد کارکرد اجتماعی معرفی کند؛ رویکردی که در چارچوب نظری فرکلاف، یکی از شیوه‌های اصلی «کنترل معنا» از طریق گسستن متن از زمینه

فرامادی آن به شمار می‌رود (Fairclough, 1992: p. 71).

نمونه آشکار این راهبرد را می‌توان در آثار خاورشناسانی مانند جیمز دارمستر و فان فلوتن مشاهده کرد. دارمستر با تکیه بر تحلیلی مادی و پوزیتیویستی، مشابه برخی قرائت‌های جامعه‌شناختی دورکیمی، ادیان ابراهیمی را فاقد منشأ آسمانی دانسته و مدعی است که باور به منجی در اسلام و تشیع چیزی جز اسطوره‌ای برآمده از سنت‌ها و آیین‌های پیشین، به‌ویژه اساطیر ایرانی و آموزه سوشیانس در آیین زرتشت، نیست (موسوی گیلانی، ۱۳۸۹: ص ۹۲-۹۳). در سطح تحلیل گفتمان انتقادی، او با همسان‌انگاری ساختارهای فرجام‌شناختی ادیان و تطبیق دجال با مار ضحاک، پیوندهای اخلاقی و اجتماعی مهدویت با زندگی معاصر را تضعیف می‌کند. از منظر اجتماعی - شناختی، این نوع تاریخ‌زدایی و اسطوره‌سازی به شکل‌گیری مدل‌های ذهنی‌بی‌می‌انجامد که مهدویت را با عقلانیت معاصر ناسازگار جلوه می‌دهند. چنین اختلالی در سطح معرفتی، مستقیماً کارکرد تربیتی خانواده را هدف قرار می‌دهد؛ زیرا با تضعیف هویت آسمانی مهدویت، انگیزه والدین برای انتقال فرهنگ مهدوی و جامعه‌پذیری نسل آینده را با چالش اصالت و اعتبار مواجه می‌سازد.

۳-۶. تحریف معنای انتظار

سومین راهبرد عملیاتی، دوقطبی‌سازی گفتمانی در زمینه مفهوم «انتظار» است. در این راهبرد، ابعاد پویای انتظار نادیده گرفته شده و گفتمان به سمت تثبیت دو قرائت افراطی سوق داده می‌شود؛ یا انتظار به انفعال محض و تعلیق کنشگری فروکاسته می‌شود، یا با خشونت رادیکال و کور پیوند می‌خورد. ریشه‌های این قاب‌بندی وارونه را می‌توان در آثار مستشرقانی چون کنت دو گوبینو مشاهده کرد. وی در تحلیل حیات اجتماعی ایران، انتظار را صرفاً نوعی بازگشت‌گرایی نوستالژیک برای احیای شکوه از دست رفته گذشته «مشابه ایده پشوتن در آیین زرتشت» تفسیر می‌کند (موسوی گیلانی، ۱۳۸۹: ص ۱۶۶).

این، در حالی است که در سنت امامیه، انتظار مفهومی پویا، کنش‌محور و مستلزم تلاش فعال برای تغییر وضع موجود و حرکت به سوی وضع مطلوب است (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۶۰). در بستر جنگ شناختی، رسانه‌های مرجع غربی نظیر (*The Economist*) با برجسته‌سازی



استعاره‌هایی مانند: «انتظار رخوت‌انگیز» یا «خشونت آخرالزمانی»؛ مدل‌های ذهنی مخاطبان را به سوی این دوقطبی هدایت می‌کنند. نتیجه این دوقطبی‌سازی، ایجاد تعارض در الگوهای تربیتی خانواده است؛ به گونه‌ای که والدین خود را میان دو گزینه «تربیت منفعلانه و تسلیم در برابر هژمونی مدرنیته» و «هراس از برجسب بنیادگرایی و افراط‌گرایی» گرفتار می‌بینند. پیامد چنین وضعیتی، حذف تدریجی مفهوم «انتظار سازنده» از نظام تربیتی نسل جدید است.

۴-۶. تضعیف آینده‌مندی تمدنی خانواده

یافته‌های گفتمانی این پژوهش نشان می‌دهد که مقصد نهایی همه تحریف‌های ادراکی یاد شده، تضعیف «آینده‌مندی تمدنی» نهاد خانواده است. جنگ شناختی با دست‌کاری افق آینده و ایجاد نوعی بی‌پناهی معرفتی، کارکرد خانواده را به عنوان مهم‌ترین کانون بازتولید امید، عدالت‌خواهی و مسئولیت تاریخی فرسوده می‌سازد. هنگامی که امید به آینده در مدل‌های ذهنی خانواده تضعیف شود، جامعه به سمت دنیاگرایی افراطی، افول عقلانیت اخلاقی و گسست بین‌نسلی سوق پیدا می‌کند. این دگرگونی عمیق معرفتی در کلام امام صادق علیه السلام نیز مورد هشدار قرار گرفته است؛ آنجا که می‌فرمایند: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛ هنگامی که قائم قیام کند، برنامه‌ای نو، روشی نو و داوری‌ای نو عرضه خواهد کرد» (حرعاملی، ۱۴۲۷: ج ۷، ص ۸۳).

این حدیث نشان می‌دهد که ظهور مهدوی در اساس، گسستی معرفتی از نظام‌های فرسوده و تحریف شده بشری و گشایش افقی تازه برای حیات تمدنی است. جنگ شناختی غرب نیز با آگاهی از این ظرفیت تحول‌آفرین، می‌کوشد از طریق راهبردهای گفتمانی، پیشران این نظم جدید را در درون نهاد خانواده تضعیف کند و خانواده را از یک کنشگر تمدن‌ساز به واحدی مصرف‌کننده و منفعل در چرخه فرهنگی مدرنیته فروبکاهد.

بر اساس نظریه سنت‌های تاریخی و گفتمان کلامی - سیاسی شهید آیت‌الله صدر و امتداد آن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مهدویت در تشیع، صرفاً آموزه‌ای برای تسکین روانی نسبت به آینده نیست، بلکه تجلی و غایت حرکت تکاملی تاریخ و تحقق عینی «خلافت الاهی انسان» بر روی زمین به شمار می‌آید. شهید صدر در بحث «حول المهدی» نشان می‌دهد که منجی نقطه

تلاقی هدایت وحیانی و نقش آفرینی انسان در عرصه زندگی اجتماعی است. در این چارچوب نظری که با گفتمان «آمادگی همه جانبه» در اندیشه آیت الله خامنه ای نیز هم پوشانی دارد، انتظار صرفاً حالتی روحی نیست، بلکه تلاشی عینی در عرصه های علمی، سیاسی و تربیتی برای زمینه سازی نظم جدید محسوب می شود. در این میان، خانواده سلول بنیادین جامعه و مهم ترین کارگزار در فرایند تواسی و جامعه پذیری این خلافت الاهی است. از این منظر، هدف اساسی عملیات شناختی غرب ایجاد اختلال در این فرایند تاریخی از طریق دست کاری مدل های ذهنی خانواده است. هنگامی که افق فرجام شناختی مهدویت امنیتی سازی یا از زمینه اصلی خود جدا می شود، در واقع، پیوند خانواده با زنجیره تمدنی خلافت الاهی تضعیف می گردد؛ فرایندی که تربیت منتظرانه را از کنش تمدن ساز به نوعی زیست مصرفی و منفعل در چارچوب تمدن رقیب تقلیل می دهد.

۷. راهبردها

۷-۱. ارتقای «سواد گفتمانی» خانواده

تحلیل پیکره غربی نشان می دهد که عملیات شناختی از طریق پیش فرض سازی، بهره گیری از استعاره های منفی و بازقاب بندی های تدریجی، مدل های بافتی تحریف شده ای در ذهن مخاطب شکل می دهد که هدف آن نه اقناع آشکار، بلکه دست کاری شیوه اندیشیدن جامعه است (Claverie & Du Clouzel, 2021: p. 6). از این رو، نخستین خط دفاعی در برابر این فرآیند، تقویت سواد گفتمانی و تفکر انتقادی در خانواده هاست.

بدین منظور، سیاست گذاران فرهنگی و رسانه ای باید با طراحی بسته های آموزشی کوتاه، کاربردی و قابل فهم، فنون زبانی رسانه های غربی، از جمله امنیتی سازی و زمینه زدایی را برای والدین واسازی کنند. ارتقای این توانمندی شناختی به خانواده ها کمک می کند روایت های رسانه ای جریان اصلی را با نگرش انتقادی ارزیابی و از رسوب برجسب ها و انگاره های تحمیلی در مدل های ذهنی فرزندان جلوگیری کنند.



۷-۲. بازتولید گفتمان بدیل «انتظار فعال»

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متون مستشرقان و رسانه‌های جریان اصلی، با حذف لایه‌های پیچیده و پویای مفهوم انتظار، آن را در قالب یک دو قطبی کاذب میان انفعال رخوت انگیز و خشونت فرجام شناختی، بازنمایی می‌کنند تا ظرفیت‌های تحرک بخش آن را از میان ببرند. در برابر این هجمه، راهبرد اساسی، تولید «گفتمان بدیل» بر پایه مبانی اصیل کلامی امامیه است. لذا نهادهای تربیتی و رسانه‌ای باید با بازخوانی اندیشه متفکران در حوزه مهدویت، انتظار را معادل مسئولیت اجتماعی، نقد وضع موجود، عقلانیت اخلاقی و کنشگری تمدنی معرفی کنند. بازتولید این معنا در قالب الگوهای تربیتی ملموس و کاربردی، می‌تواند مدل ذهنی «خانواده منتظر کنشگر» را جایگزین الگوهای تحریف شده و تحمیلی غرب کند.

۷-۳. بازسازی «امید تمدنی آینده محور»

از آنجا که هدف نهایی جنگ شناختی، تزریق احساس بی‌معنایی، گسترش دنیاگرایی افراطی و مسدود کردن افق آینده در ذهن نسل جدید است؛ تقویت امید تمدنی مهم‌ترین پادزهر این عملیات به شمار می‌آید. بازنمایی‌های تهدید محور از آینده، در واقع با هدف تضعیف کنشگری اخلاقی و مسئولانه جامعه در زمان حال صورت می‌گیرد. سیاست‌گذاری فرهنگی باید گفتمان مهدویت را از سطح آموزه‌ای صرفاً انتزاعی و دور از دسترس فراتر برده و آن را با موضوعاتی چون کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و پیشرفت پیوند دهد. فراهم کردن بستر گفت‌وگوی بین نسلی در خانواده درباره «آینده مطلوب» و ارائه تصویری امیدبخش از فرجام تاریخ، می‌تواند سرمایه پویایی اجتماعی را احیا و پیش‌فرض‌های ناامید کننده رسانه‌های هژمونیک را به چالش بکشد.

۷-۴. تغییر پارادایم فرهنگی

مؤثرترین پاسخ به فرسایش ادراکی، تقویت نهادهای اصیل تولید و بازتولید معنا و اعتماد معرفتی است. بر این اساس، سیاست‌گذاری فرهنگی نباید خانواده را صرفاً مصرف کننده‌ای منفعل در چرخه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی تلقی کند، بلکه باید آن را به عنوان خط مقدم و سنگر شناختی در اسناد راهبردی کشور به رسمیت بشناسد. لذا هرگونه سیاست‌گذاری مهدوی

باید از روایت‌های صرفاً اسطوره‌ای و زمینه‌زدایی شده که یکی از نقاط اتکای نقد دارمستتر به شمار می‌رود، فاصله بگیرد و با مسائل، نیازها و زیست واقعی خانواده معاصر پیوند بخورد. نهادینه‌سازی مهدویت در قالب اخلاق کاربردی، حقوق متقابل و مسئولیت‌پذیری خانوادگی، این نهاد را به سدی مقاوم در برابر تسلیح معنا و عملیات شناختی معاصر تبدیل خواهد کرد.

۷-۵. بازآفرینی گفتمان شناختی

صیانت شناختی از خانواده مهدوی مستلزم عبور از پارادایم پدافند صرفاً انفعالی و ورود به عرصه «جهاد تبیین گفتمانی» بر اساس منظومه فکری انقلاب اسلامی است. در این چارچوب، راهبرد فرآیندی اصلی، آشکارسازی پیوند میان کلان روایت‌های تحریف‌گر غربی و جلوه‌های مختلف اسلام آمریکایی در عرصه داخلی است. خانواده مهدوی، زمانی به تاب‌آوری شناختی دست می‌یابد که بتواند بر اساس گفتمان تربیتی رهبر معظم انقلاب، مرز میان مهدویت اصیل که حرکت آفرین، عدالت‌خواه و عقلانی است و مهدویت‌های بدلی، اعم از قرائت‌های انجمن حجتیه‌ای، انفعالی یا رادیکال را به درستی تشخیص دهد.

تبیین مهدویت به عنوان نوعی کلان پروژه تمدنی برای تحقق خلافت الهی انسان؛ آن‌گونه که شهید صدر ترسیم می‌کند، مستقیماً راهبرد زمینه‌زدایی غرب را با چالش مواجه می‌سازد و هویت آینده محور خانواده را در چارچوب آرمان‌های انقلاب اسلامی بازسازی می‌کند.



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و رویکرد اجتماعی - شناختی ون‌دایک نشان داد که گفتمان جنگ شناختی غرب در مواجهه با جوامع اسلامی، از الگوهای سنتی تخریب سخت‌افزاری فراتر رفته و بر پارادایم «تسلیم معنا» استوار شده است. یافته‌های این تحقیق، بیانگر آن است که نهاد خانواده مهدوی، نه از طریق حمله مستقیم به ساختارهای فیزیکی، بلکه از مسیر دست‌کاری مدل‌های ذهنی، فرسایش سرمایه‌های معنایی و تضعیف افق آینده، در معرض بازتعریف و تضعیف قرار می‌گیرد. در این میان، گفتمان مهدویت و فرهنگ انتظار، به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تولید امید تمدنی و آینده‌مندی در تشیع، به کانون توجه و هدف‌گذاری راهبردی این جریان تبدیل شده‌اند.

تحلیل داده‌ها در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان داد که سه سازکار اصلی در این عملیات شناختی نقش‌آفرینی می‌کنند: ۱. امنیتی‌سازی مهدویت و تبدیل باور کلامی به تهدید نظم سیاسی بین‌الملل؛ ۲. زمینه‌زدایی و تاریخی‌گری سکولار از طریق اسطوره‌سازی و گسستن پیوند مهدویت با مسئولیت‌های زمان حال؛ و ۳. تحریف نظام‌مند معنای انتظار از راه تثبیت دو قطبی انفعال یا خشونت آخرالزمانی. تکرار و عادی‌سازی این قاب‌بندی‌ها در رسانه‌های جریان اصلی، مدل‌های ذهنی مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با ایجاد نوعی «فشار معرفتی» بر والدین، فرایند جامعه‌پذیری دینی و انتقال بین نسلی معنا را با هراس و خود سانسوری مواجه می‌سازد. نتیجه نهایی این روند، تضعیف «آینده‌مندی تمدنی» خانواده و فروکاستن آن از یک نهاد هویت‌ساز و کنشگر به واحدی منفعل، سردرگم و کم تحرک است.

بر این اساس، مقاله حاضر استدلال می‌کند که صیانت گفتمانی از مهدویت و بازسازی معنای «انتظار فعال»، صرفاً توصیه‌ای اعتقادی یا فرهنگی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی در حوزه امنیت شناختی به شمار می‌رود. هرگاه مفهوم انتظار در مدل‌های ذهنی خانواده‌ها بر پایه سنت اصیل امامیه، معادل آمادگی آگاهانه، عقلانیت اخلاقی، مسئولیت اجتماعی و کنشگری اصلاح‌گرا نه بازتولید شود؛ خانواده از موضعی صرفاً تدافعی خارج و به کانون تولید «تاب‌آوری شناختی» و بازتولید امید تمدنی تبدیل خواهد شد. از این رو، ارتقای سواد گفتمانی خانواده‌ها و پیوند دادن مهدویت با مسائل عینی و واقعی زندگی روزمره، از الزامات بنیادین برای خنثاکردن عملیات شناختی و حفظ پویایی تاریخی جامعه شیعی در عصر منازعات ادراکی است.

منابع

۱. ایرانی، هادی (۱۳۹۱). *آسیب شناسی انحرافات آخرالزمانی در رسانه های جمعی*، فصلنامه پژوهش های مهدوی، ۴(۱۴)، ۹-۲۸.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق). *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، لایه التراث.
۳. خامنه ای، سید علی (بی تا). *بیانات مرتبط با مهدویت و تمدن نوین اسلامی*، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (Khamenei.ir).
۴. خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. دانشمند، مهدی (۱۴۰۰). *امنیت اجتماعی و تاب آوری شناختی خانواده*، فصلنامه پژوهش های خانواده، ۱۷(۲)، ۸۵-۱۰۱.
۶. سلیمی افجانی، مهدی (۱۴۰۳). *تحلیل اجتماعی-شناختی قاب بندی های رسانه ای علیه باورهای دینی*، مجله گفتمان و جامعه، ۳(۱)، ۵۵-۷۸.
۷. شرفی جم، محمدرضا (۱۳۹۳). *الگوی تربیتی خانواده مهدوی در پرورش امید نهادی*، فصلنامه طهورا، ۷(۱۹)، ۹۵-۱۱۸.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۲). *انتظار سازنده و نقش آن در بازتولید تمدنی*، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۹. صالحی، نجمه (۱۳۹۶). *آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت*، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۱۰. صدر، سید محمدباقر (بی تا). *بحث حول المهدی*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۱۱. ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۶). *مسئولیت اجتماعی و فرهنگ انتظار در اندیشه امامیه*، دین و علوم اجتماعی، ۱۳(۲)، ۲۸۹-۳۱۲.
۱۲. قاسمی قمی، جعفر (۱۳۷۸). *مفهوم ماشیح در یهودیت و تحولات تاریخی آن*، فصلنامه هفت آسمان، ۱(۲)، ۱۴۵-۱۶۷.
۱۳. کرمی، محسن (۱۴۰۳). *امنیتی سازی گفتمان شیعه در اندیشکده های غربی: بررسی انتقادی فارین افرز و اکونومیست*، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۵(۱)، ۱۵-۳۸.
۱۴. کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۹). *منجی گرایی در ادیان ابراهیمی: یک مطالعه تطبیقی*،



تهران، انتشارات حکمت.

۱۵. محمدزاده، علی، و مشهدی، علی (۱۳۹۹). «**فشار شناختی بر خانواده: تحلیل ساختاری چالش‌های تربیتی مدرن**»، نشریه تربیت اسلامی، ۱۵(۳۱)، ۱۲۱-۱۴۴.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). **میزان الحکمة**، قم، دارالحديث.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). **قیام و انقلاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه فلسفه تاریخ**، تهران، انتشارات صدرا.
۱۸. موسوی گیلانی، سید رضی (۱۳۸۹). «**مستشرقان غربی و مهدویت اسلامی: از جیمز د/مستترتا هانری کربن**»، فصلنامه مشرق موعود، ۲(۶)، ۹۹-۱۲۰.
۱۹. نقیبی، سید ابوالقاسم، و شهریار، معصومه (۱۴۰۱). «**واکاوی ماهیت نهاد خانواده در فقه امامیه و حقوق ایران**»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۸(۷۰)، ۲۰۹-۲۲۸.
۲۰. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸). **برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی**، ترجمه: مجتبی رفیعی مهرآبادی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
21. Arjomand, Said Amir (1984). *The Shadow of God and the Hidden Imam: Religion, Political Order, and Societal Change in Shi'ite Iran from the Beginning to 1890*. University of Chicago Press.
22. Bernal, Nathan, Carter, Craig, Singh, Indu, & Smith, John (2021). *Cognitive Warfare: An Emerging Conflict Domain*. NATO Innovation Hub (ACT).
23. Buzan, Barry, Wæver, Ole, & de Wilde, Jaap (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.
24. Cao, Yue, Li, Xia, & Zhang, Hao (2023). Cognitive warfare and its strategic implications on social decision-making. *Journal of Strategic Studies*, 46(2), 211-234.
25. Center for Strategic and International Studies (CSIS). (n.d.). *Enhancing Cognitive Security and Societal Resilience (CSIS Report)*. CSIS.

26. Claverie, Bernard, & Du Clouzel, François (2021). The Cognitive Warfare Concept. NATO Allied Command Transformation.

27. Claverie, Bernard, Du Clouzel, François, & NATO Innovation Hub (2021). Cognitive Warfare: The Future of Conflict and Human-Machine Interaction. NATO ACT.

28. Fairclough, Norman (1992). Discourse and Social Change. Polity Press.

29. Freeden, Michael (1998). Ideologies and Political Theory: A Conceptual Approach. Oxford University Press.

30. Halm, Heinz (1991). Shi'ism (Janet Watson, Trans.). Edinburgh University Press.

31. Lewis, Bernard (2003). The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror. Modern Library.

32. Lewis, Bernard (2007). Iran in apocalyptic mood. The Wall Street Journal.

33. Miles, Matthew B., Huberman, A. Michael, & Saldaña, Johnny (2014). Qualitative Data Analysis: A Methods Sourcebook (3rd ed.). SAGE Publications.

34. Ottwell, Richard (2024). Weaponization of Perception: The Mechanics of Cognitive Influence in Modern Media. Routledge.

35. Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein (1981). Islamic Messianism: The Idea of Mahdi in Twelver Shi'ism. State University of New York Press.

36. Van Dijk, Teun Adrianus (1998). Ideology: A Multidisciplinary Approach. SAGE Publications.

